

فرایند اسکان شاهسون‌های دشت مغان در دوره رضاشاه (۱۳۱۰-۱۳۲۰ش/۱۹۳۱-۱۹۴۱م)

شهرام یوسفی فر^۱/محمد کشاورز^۲/محمد مهدی مرادی خلیج^۳

چکیده

شاهسون‌ها در دوره قاجاریه یکی از بزرگ‌ترین اتحادیه‌های ایلی ایران بودند که بخش وسیعی از مراتع قشلاقی خود در دشت مغان را در خلال جنگ‌های ایران و روس از دست دادند و دامنه ترددشان به مراتع دشت مغان (قشلاق) و دامنه‌های کوه سبلان (بیلاق) محدود شد. با اجرای طرح اسکان اجباری در دوره رضاشاه، بسیاری از شاهسون‌ها در دشت مغان اسکان یافتند. این پژوهش دامن‌یاد براساس روش جمع‌آوری اطلاعات از کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی و با روش توصیفی تحلیلی، بر آن است تا چگونگی اسکان طوایف شاهسون را در دشت مغان، آرشاق، مراتع بیلاقی سبلان و نواحی مجاور این مناطق تبیین کند. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که طرح واگذاری اراضی دولتی آذربایجان و اخذ تعهد از اشخاص، ایجاد کانال‌های آبیاری، ایجاد پست‌های امنیه برای جلوگیری از تمرد عشایر، استقرار مأمورین اسکان در نواحی اسکان داده‌شده، سوزاندن ابزار کوچ‌نشینی، تأسیس مدارس فلاحتی، حذف مالیات علف‌چر و وضع قوانین دامداری از عوامل اصلی اسکان شاهسون‌ها در دشت مغان و نواحی مجاور بوده است.

واژگان کلیدی: اسکان اجباری، اوراق واگذاری، ایلی شاهسون، دشت مغان، مأموران اسکان.

An Examination of Shahsevans settlement in Reza Shah Period (1310-1320/1931-1941)

Shahram Yousefifar⁴/ Mohammad keshavarz⁵/ Mohammad Mehdi moradi khalaj⁶

Abstract

Shahsevan tribe, as one of the greatest tribal unions in the history of Iran, lost a vast proportion of its winter quarters (qeshlaq) during the wars between Iran and Russia, their movement being restricted to Moqan plain (for winter quarters, qeshlaq) and Sabalan hillsides (for summer quarters, yeylaq). Finally, a portion of Shahsevans were forced to settle in Moqan plain in Reza Shah Era. By gathering data regarding Shahsevan tribe from historical references and archives and by using historical method and descriptive-analytic approach, this article studies the shahsevans' settlement in Moqan plain, arshaq, winter quarters of Sabalan and areas adjacent to the mentioned areas. The results show that giving governmental lands to people and taking guarantee (assurance) from them as well as construction of gendarmerie stations for preventing nomads from rebellion and disobedience, creating irrigation channels, besides establishment of settling officers in settled regions, establishing agricultural schools, burning wandering instruments, pasture tax elimination and regulating new agricultural laws, were the most important causes of Shahsevans settlement in Moqan plain and its neighbor regions.

Keywords: Compulsory Accommodation, Transformation Documents, Shahsevan Tribe, Moqan Plain, Accommodation Agents

۱. استاد گروه تاریخ، دانشگاه تهران.

۲. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز. *تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ *تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

4. Professor, Department of History, Tehran University. Email: shyousefifar@ut.ac.ir

5. Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Vali-e-Asr University of Rafsanjan. Email: m.keshavarz@vru.ac.ir

6. Associate Professor, Department of History, Shiraz University. Email: mmkhalaj@yahoo.com

مقدمه

ایلات و عشایر ایران براساس شیوه زندگی کوچ‌نشینی و چادرنشینی خود، هر ساله میان مناطق سردسیری و گرمسیری در حرکت هستند. هنگام رسیدن به منزلگاه‌ها سیاه‌چادرها و آلچیق‌ها را برپا می‌کنند و به چرای دام‌ها مشغول می‌شوند و این روال در طول سال تکرار می‌شود. در برخی مقاطع، بنا به دلایل مختلف طبیعی، گروه‌هایی خاص از کوچ‌نشینان به سکونت در روستا یا شهرهای کوچک روی می‌آورند و به اصطلاح «تخته‌قاپو» می‌شوند.^۱ اما گرایش غالب در نزد این جماعات تداوم روال‌های کهن صحراگردی است. شاهسون‌های دشت مغان، از بزرگ‌ترین گروه‌های ایلی ایران، پس از بسته شدن مرزهای ایران و روس در سال ۱۳۰۲ق/۱۸۸۴م، دشت مغان در جنوب رود ارس را برای قشلاقات و دامنه‌های کوه سیلان را برای بیلاقات خود انتخاب کردند.^۲ در اواخر دوره قاجاریه، به تدریج، موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها دگرگون شد و بین طوایف مختلف شاهسون در نواحی دشت مغان، مشکین شهر، ارسباران و اردبیل اختلافات و کشمکش‌های قبیله‌ای افزایش یافت^۳ و تا سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰ش خوانین طوایف برای کسب تفوق در حال جنگ با یکدیگر بودند.^۴

رضاشاه که قبل از رسیدن به مناصب سیاسی و سلطنت به‌عنوان فرمانده نظامی شاهد این درگیری‌ها بود و از سازوکار نظام عشایری اطلاع داشت، می‌دانست تا زمانی که عشایر نظام کوچ‌نشینی و تحرک سرزمینی دارند، نه از دولت مرکزی بلکه از خوانین خود اطاعت می‌کنند. علت این امر هم روشن بود: خوانین و رؤسای عشایر مسئولیت‌های مهمی از قبیل پیدا کردن مراتع، عبور دادن ایل از گذرگاه‌های خطرناک، دفاع از ایل و طوایف در مقابل دیگران، حل و فصل منازعات داخلی ایل و دیگر امور حیاتی را بر عهده داشتند. از این رو سیاست اسکان عشایر راه حلی برای مشکلات دولت مرکزی و عشایر بود.^۵ وی با تصدی وزارت جنگ (۷ اردیبهشت ۱۳۰۰ش)^۶ و انجام اصلاحات در ارتش، رویه خلع سلاح، سرکوبی و اسکان عشایر را برای ایجاد دولتی متمرکز مد نظر قرار داد.^۷

۱. از جمله عشایری چون شاهسون‌های بغدادی ساوه، بیات‌های ززند، زندیه قم و ملایر، خلج‌های قم و ساوه، چگنی‌های قزوین، افشارهای ساوجبلاغ، بوربورهای ورامین، هداوند‌ها و دیگران که به صورت تخته‌قاپوی طبیعی در یک جا سکونت گزیده‌اند. ن.ک.: عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، چاپ پنجم (تهران: زوار، ۱۳۸۴)، ص ۵۰۸.

۲. محمد مهدی مرادی خلج، محمد کشاورز و شهرام یوسفی فر، «بررسی تأثیرات عوامل سیاسی در تغییرات سرزمینی ایل شاهسون در دوره قاجاریه»، تاریخ‌های محلی ایران، دوره ۶، ش ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، ص ۲۰۵.

۳. میرنی عزیززاده، تاریخ دشت مغان (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶)، ص ۲۸۲.

۴. ریچارد تاپر، «نمونه ایل شاهسون»، مجموعه مقالات رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، گردآوری استفانی کرونین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر (تهران: جامی، ۱۳۸۳)، صص ۳۳۹-۳۴۰.

۵. غفار پوربختیار، «رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری (پژوهشی مبتنی بر اسناد)»، مسکویه، دوره ۲، ش ۸ (زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷)، صص ۳۶-۳۷.

۶. جمشید ضرغام بروجتی، دولت‌های عصر مشروطیت (تهران: مجلس شورای ملی، بی‌تا [تاریخ مقدمه ۱۳۵۰])، صص ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵.

۷. ریچارد تاپر، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، ترجمه حسن اسدی (تهران: ۱۳۸۴)، اختران، ص ۳۳۱.

اما در روند اجرای سیاست‌های اجتماعی فوق مشکلاتی بروز کرد که یکی از آنها به شاهسون‌های مغان مربوط بود. رویه اسکان شاهسون‌های مغان به دلیل موقعیت منطقه‌ای و امکان بهره‌برداری از مراتع قشلاقی دشت مغان، مراتع میان‌بند آرشق و مراتع ییلاقی کوه سبلان و دسترسی به زمین‌های حاصل‌خیز با موقعیت سایر ایلات ایران تفاوت‌هایی داشت و در نتیجه اجرای سیاست‌های مزبور نتایج متفاوتی را به بار آورد. در این پژوهش بر آن هستیم به این پرسش پاسخ دهیم که روند اسکان شاهسون‌های دشت مغان در دوره پهلوی اول چگونه بوده است؟

فرض پژوهش بر آن است که شاهسون‌های دشت مغان در این دوره از یک سو تحت تأثیر رویه‌های اجرایی مأموران عالی برنامه اسکان دولت و روش‌های توزیع ورقه‌های واگذاری و وضع قوانین تشویقی و تنبیهی کشاورزی و دامداری، و از دیگر سو متأثر از موقعیت‌های منطقه‌ای به تدریج در مناطق مشخصی از دشت مغان، آرشق و سبلان اسکان داده شدند.

پژوهش حاضر با تکیه بر روش گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی تلاش می‌کند چگونگی روند اسکان شاهسون‌ها در منطقه دشت مغان را به‌دقت توصیف و تبیین نماید.

پیشینه و روش تحقیق

در زمینه اسکان طوایف ایل شاهسون، تاریخ‌های محلی مانند مغان در گستره تاریخ نوشته عزیزالله قلمی، مغان، نگین آذربایجان از احد قاسمی، دشت مغان در گذر زمان از اعظم عوض‌پور، تاریخ دشت مغان نوشته میرنی عزیززاده و... اطلاعات پراکنده‌ای درباره نحوه رفتار مأمورین با عشایر شاهسون و مسائل جانبی برنامه اسکان اجباری دارند. ریچارد تاپر در پژوهش خود^۱، در فصلی با عنوان «اسکان عشایر و ایل‌زدایی»، مسائل مربوط به اسکان شاهسون‌ها در دوره پهلوی را بررسی کرده است. مطالعه وی بیشتر مبتنی بر اطلاعات شفاهی گردآوری شده در دهه ۱۳۴۰ است و نتوانسته از مجموعه اسناد مربوط به اسکان شاهسون‌ها به‌خوبی استفاده کند. وی بعدها در سال ۱۳۷۸ ش/۱۹۹۹ م، در همایشی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، مقاله‌ای در مورد اسکان شاهسون‌ها از اواخر دوره قاجار تا سقوط رضاشاه ارائه کرد.^۲ همچنین، تحقیقات پراکنده او در موضوع شاهسون‌ها در مدخل‌های دانشنامه‌های ایرانیکا، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف فرهنگ‌های جهان و... از اهمیت زیادی برخوردارند.

در باب کلیات بحث اسکان عشایر در دوره مورد نظر، برخی از محققان معاصر در بررسی سیاست‌های عشایری دولت رضاشاه به موضوع اسکان عشایر نیز پرداخته‌اند. نفیسه واعظ در سیاست عشایری دولت

۱. ریچارد تاپر، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، ترجمه حسن اسدی (تهران: ۱۳۸۴)، اختران.

۲. ریچارد تاپر، «نمونه ایل شاهسون»، مجموعه مقالات رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، گردآوری استغنی کرینین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر (تهران: جامی، ۱۳۸۳).

پهلوی اول، احمد نقیب‌زاده در دولت رضاشاه و نظام ایلی و عزیز رخس خورشید (کیاوند) در حکومت، سیاست و عشایر مباحثی کلی در این باب دارند.

نویسندگان این پژوهش نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیرات عوامل سیاسی در تغییرات سرزمینی ایل شاهسون در دوره قاجاریه» فرایند سکونت طوایف مختلف شاهسون‌های دشت مغان را بررسی کرده‌اند. پژوهش مذکور زمینه‌های بحث درباره چگونگی فرایند اسکان شاهسون‌ها در دوره رضاشاه را فراهم می‌آورد.

۱. برنامه‌ریزی اسکان طوایف شاهسون

برنامه اسکان عشایر در ایران دست‌کم از دوره قاجاریه مورد توجه دولت‌ها بوده است. به نظر می‌رسد در دوره‌های قبل از آن به دلایل مختلف عشایر را جابه‌جا می‌کردند و یکی از علت‌های مهم اسکان عشایر چرخش نظام اقتصادی و دگرگونی در مناسبات تولید مناطق بود. اما در دوره رضاشاه روال‌های آمرانه و منظمی برای اسکان عشایر اعمال شد و بسیاری از جمعیت‌های عشایری بر اثر وخامت معیشت ایلی و فشارهای سیاسی اسکان یافتند.^۱ این واقعیتی بود که عشایر بنا به توانایی‌های نظامی تهدیدی برای حکومت‌های مرکزی بودند و گاه از این منظر مورد توجه قدرت‌های خارجی نیز قرار می‌گرفتند.^۲ رضاشاه در برنامه استقرار دولت مدرن، صرف نظر از دلایل فرهنگی، کاهش موقعیت جامعه عشایری را در دستور کار قرار داد. ادغام مناطق نیمه‌مستقل عشایری در درون چارچوب دولت ملی جدید، انحلال تشکیلات ایلی و عشایری، محدود کردن قدرت خوانین، اجبار جوانان عشایر به خدمت نظام، خلع سلاح عمومی و اسکان قبایل از جمله طرح‌های او برای این کار بود.^۳ در کنار اقدامات نظامی (سرکوب ایلات و اعدام رؤسای آنها)، اقدامات دیگری نظیر تشویق کشاورزی و گسترش شیوه‌های زندگی شهری نیز به اجرا درآمد.^۴

برنامه یکجانشینی اجباری عشایر در سال ۱۳۰۸ش آغاز شد و به تدریج بیشتر کوچ‌نشینان یکجانشین شدند.^۵ در برنامه اسکان اجباری بخشی از اعتبارات اسکان صرف انتقال اجباری ایلات به اراضی کشاورزی و محل استقرار جدید می‌شد. مثلاً مقرر شد ایلات شاهسون در ساوه و زرنند سکونت دائمی یابند و اراضی آن حدود برای زراعت به آنان واگذار شود و مأموران دولت نیز شیوه‌های زراعتی و فلاحتی

۱. احد قاسمی، مغان‌نگین آذربایجان، ج ۲ (تهران: مؤلف، ۱۳۷۷)، ص ۱۳۵.

۲. بابک نادرپور، «دولت‌های معاصر، جامعه ایلی و معماری کوچ یا اسکان»، فصلنامه عشایری‌ذخایر انقلاب، س ۷، ش ۲ و ۳، شماره پیاپی ۳۹ و ۴۰ (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۱۳.

۳. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۴)، ص ۲۸۶؛ احمد نقیب‌زاده، دولت رضاشاه و نظام ایلی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹)، ص ۱۸۹.

۴. بشیریه، ص ۱۹۱.

۵. سکندر امان‌اللهی بهاروند، «زوال کوچ‌نشینی در ایران، یکجانشینی ایلات و عشایر»، مطالعات ملی، سال ۵، ش ۱ (بهار ۱۳۸۳)، ص ۱۷۲.

جدید را به آنان آموزش دهند.^۱

برنامه اسکان اجباری تلاشی برای پایان دادن به موقعیت برتر ایلات و فروپاشی ساخت قدرت‌های محلی بود. درست است که این برنامه در ابتدا بیشتر انگیزه‌های سیاسی داشت، بعدتر انگیزه‌های اقتصادی (نیاز به نیروی کار و بازار مصرف) نیز اهمیت یافت. مهم‌ترین محورهای این برنامه شامل این موارد می‌شد: استقرار قوای نظامی و انتظامی در مناطق عشایری به‌منظور از بین بردن قدرت‌های محلی (مانند رفتار سرتیپ خان بویراحمدی در جنگ با اعراب خوزستان)؛ سوزاندن وسایل کوچ‌نشینان؛ جریمه، زندان و ضرب و شتم کوچ‌نشینان؛ کشت اجباری محصولات کشاورزی و درختکاری غیرهماهنگ با جریان کوچ؛^۲ تأسیس مدارس فلاحی؛^۳ منصوب نمودن عوامل ارتشی به جای خان‌ها و ایل‌بیگی‌های ایلات؛ اجرای قانون ورقه واگذاری به‌منظور پشتیبانی و حمایت از حرکت تخته‌قاپو؛^۴ ایجاد شهرها و روستاهای نمونه در مناطق عشایری و سکونت اجباری کوچ‌نشینان در این شهرها و روستاها (مانند شهر تل خسرو در جنوب شهر کنونی یاسوج).^۵

دولت برای زمینه‌سازی اسکان اجباری شاهسون‌ها نمایندگانش را به دشت مغان اعزام می‌کرد تا عشایر را به زندگی روستائیشینی و عدم پرداخت مالیات تشویق کنند.^۶ در سال ۱۳۱۱ش اداره جدیدی در وزارت کشور برای تهیه برنامه جامع اسکان عشایر و نظارت بر آن تأسیس شد تا وظیفه ارتش در امر اسکان اجباری عشایر (محدود به لرستان) را بر عهده گیرد. در برنامه جدید انتخاب محل برای اسکان عشایر، انتصاب یک کارمند دولتی برای نظارت بر اجرای این امر، ثبت آمار دام‌ها و چوپانان مد نظر قرار داشت.^۷ مجلس شورای ملی در تاریخ ۷ دی ماه ۱۳۱۱ش ماده واحده واگذاری اراضی دولتی آذربایجان به طوایف شاهسون را تصویب کرد: «برای تشویق طوایف شاهسون آذربایجان به ترک زندگانی ایلی ماده واحده ذیل را به قید دوفوریت [پیشنهاد] و تقاضای تصویب آن را می‌نماید: وزارت مالیه مجاز است از مراتع و اراضی دولتی در ولایات آذربایجان که مقرر طوایف شاهسون است، هر مقدار که مقتضی بداند به خوانین و افراد طوایف مزبوره واگذار نماید. شرایط و ترتیبات واگذاری از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد.»^۸

۱. روزنامه *حیل‌المتین*، س ۳۸، ۱۸ و ۱۹ (۱۳۰۸/۰۲/۳۱)، ص ۲۴.

۲. نفیسه واعظ (شهرستانی)، «تاریخچه اسکان»، فصلنامه کوچ، (تهران: انتشارات اتحادیه مرکزی تعاونی‌های عشایری ایران، بهار ۱۳۶۲)، صص ۸۷-۹۲.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۱۲-۱۳۱۴، گزارش بازرسی از ایالت شرقی آذربایجان، شناسه سند ۲۹۷/۲۸۸۷۴، صص ۶-۸.

۴. قاسمی، صص ۱۳۷-۱۳۸.

۵. هیبت‌الله غفاری، *ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد* (تهران: نی، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۴.

۶. عزیزالله قلمی، مغان در گستره تاریخ (تهران: فرشاد، ۱۳۷۶)، ص ۳۳۶.

۷. تاپر، «نمونه ایل شاهسون»، ص ۳۳۳.

۸. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۱۱، لایحه پیشنهادی واگذاری اراضی دولتی آذربایجان جهت اسکان طوایف شاهسون، شناسه سند ۲۴۰/۱۷۹۰۶، ص ۱؛ مصوبات مجلس شورای ملی، «قانون اجازه واگذاری مراتع و اراضی دولتی واقعه در آذربایجان به خوانین و افراد شاهسون»، ج ۱، چاپ دوم (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۱۱) ص ۷۰۶ و ۹۷/۰۴/۳۰، <http://rc.majlis.ir/fa/law>.

در سال ۱۳۱۳ش، دولت با اجرای قانون «تخته‌قاپو» دگرگونی عظیمی در طرز زندگی شاهسون‌ها به وجود آورد. براساس این قانون، هر یک از افراد ایل بایستی در یک واحد مسکونی مستقر می‌شدند.^۱ در گزارش نماینده وزارت داخله در تقسیم امور اراضی آذربایجان شرقی به تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۱۴ش، در مورد اسکان شاهسون‌ها چنین آمده است:

صورت افراد شاهسون که از طرف کمیسیون تقسیم اراضی دولتی طبق دستور به آنها محل سکونت و زراعت و مرتع بیلاقی داده شده است، یک هزار و هشتصد و بیست و هفت^۲ خانوار که یکصد و هفتاد ورقه آن به نام مرتع کوه سبلان و بقیه که هزار و ششصد و پنجاه و چهار خانوار می‌باشد به نام سکونت و زراعت در اراضی مغان، ارشق و چهار قطعه از بیلاقات سبلان داده است... بنابراین تکلیف کلیه طوایف شاهسون مغان از حیث تخته‌قاپو شدن به طور کلی معین و بایستی مأمورین و متصدیان مربوطه تعقیب نمایند.^۳

۱-۱. تقویت تشکیلات اسکان

کار اسکان شاهسون‌ها که در سال ۱۳۱۳ش با نظارت یک نفر مأمور عالی و دو سه نفر مأمور جزء بدون حقوق و وسایل کافی شروع شده بود، در سال‌های بعد نظم و برنامه بهتری یافت. چنانکه به هنگام سفر والی ایالت شرقی آذربایجان، در خرداد ماه ۱۳۱۶ش، به نواحی شاهسون‌نشین اردبیل، مشکین و ارسباران ترتیبیاتی اتخاذ شد تا در نقاط عبور شاهسون‌ها هم آمار کوچ‌نشینان و یکجانشینان را معلوم دارند و هم از کسانی که هنوز به کوچ‌نشینی ادامه می‌دهند، تعهدنامه سکونت گرفته شود. بدین ترتیب، رؤسای طوایف شاهسون موظف شدند حداکثر تا چهار یا پنج ماه بقیه افراد شاهسون را اسکان و تا یک ماه بعد از آن اظهارنامه‌های خود را تحویل دهند، در غیر این صورت باید آنها را در هر نقطه‌ای که مأمورین معین کردند، مستقر کنند. در همین سال دولت برای نظارت بیشتر و تسریع اسکان شاهسون‌ها، تعداد مأمورین را به ده نفر با حقوق کافی، مخارج علیق اسب، یک نفر سوار و امنیه افزایش داد. اسکان هر دویست و پنجاه خانوار به یکی از مأمورین واگذار شد تا در طی سه الی چهار ماه کار به انجام رسد. حکام اردبیل، مشکین و ارسباران به سمت نظارت بر اسکان منصوب شدند. برای خاتمه دادن به عمل اسکان صوری، به مأمورین دستور مؤکد داده شد خانواده‌های جدید را با اصول برنامه اسکان آشنا سازند و آنها را ملزم به ساختن خانه برای خود و جای نگهداری برای دام‌ها کنند. برای تمامی مأمورین اسکان ضرب‌الاجلی پنج ماهه معین شد تا به عمل اسکان خاتمه دهند، در غیر این صورت مورد بازخواست قرار می‌گرفتند.^۴

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۵۱-۱۳۴۹، طرح مطالعات دامداری شرکت هوائین آگرونومیک، شناسه سند ۱۲۸۹۹/۲۲، ص ۲۷.
 ۲. جمع ارقام ذکرشده در سند ۱۸۲۸ می‌شود که به‌اشتباه ۱۸۲۷ نوشته شده است.
 ۳. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۱۴-۱۳۱۳، اعزام عشایر شاهسون از مغان به آستارا و قراچه‌داغ و آبادانی مغان، شناسه سند ۲۹۲/۶۳۳، ص ۹۳.
 ۴. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۱۷-۱۳۱۶، اسکان ایلات [شاهسون]، شناسه سند ۳۱/۷۵۷، صص ۱۴-۱۶.

اما با اتمام مهلت مقرر و عدم موفقیت رؤسای طوایف و مأموران اسکان، سرانجام عده‌ای از شاهسون‌ها به اجبار در شهرها و روستاهای انتخاب‌شده دشت مغان اسکان یافتند.^۱

۱-۲. تأسیس مدارس فلاحتی

یکی دیگر از برنامه‌های دولت برای اسکان اجباری، در سال ۱۳۱۳ ش، تأسیس مدارس فلاحتی برای کشاورزان و کوچ‌نشینان شاهسون بود. تأسیس این مدارس به منظور آشنایی با اسلوب علمی و فنی کشاورزی برای بهره‌برداری از اراضی دشت مغان و سکونت در روستاها بود. در مکاتبه رئیس معارف و اوقاف ایالت شرقی آذربایجان با وزارت معارف و اوقاف (۵ اسفند ۱۳۱۳ ش) مقرر شد در دبستان‌های فارابی آستارا، خیابو و بیله‌سوار کلاس‌های فلاحتی تشکیل گردد و در چند نقطه مناسب دیگر نیز دبستان فلاحتی تأسیس و اعتبارات آن در اوایل سال ۱۳۱۴ ش فراهم شود. همچنین در خیابو، گرمی، تازه‌کند و بیله‌سوار دبستان‌های چهار کلاسه تکمیل شوند و کلاس‌های فلاحتی در آنها تأسیس شود.^۲ در مکاتبه والی ایالت شرقی آذربایجان با وزارت معارف و اوقاف آمده است:

در این موقع که اقدام به عمران صفحه مغان و اسکان عشایر می‌شود، اداره فلاحتی در نظر دارد آن منطقه را مؤسسه فلاحتی تمام آذربایجان قرار دهد. زیرا منافع متصوره از احیای اراضی مزبور حد و حصر ندارد و باید با اسلوب علمی و فنی شروع و اقدام شود. ضمناً تا وقتی اسباب کار تهیه شود باید اهالی را که به واسطه بیابان‌گردی و کوچ‌نشینی از ادامه تحصیلات باز می‌مانند، در محل‌های ثابت تحت نظر معلمین و مدیران لایق به تحصیل واداشت. مخصوصاً باید در ظرف یک سال لاقلاً به مقدمات اصطلاحات فلاحتی و اسلوب روستایی آشنا شوند که پس از تشکیل مؤسسه یک عده اشخاص مأنوس به موضوع در آنجا باشد و مجبور نشوند تمام اجزا و کارکنان خود را از خارج بیآورند.^۳

همچنین در مکاتبه دیگری، به پیشنهاد نماینده اداره فلاحت و صنعت، به لزوم تأسیس مزرعه مدل و نمونه اشاره شده و رئیس اداره اوقاف و معارف آذربایجان از وزرات متبوع خود خواهان اختصاص بودجه است.^۴

بنابراین اقدام اولیه دولت رضاشاه فراهم کردن زیرساخت‌هایی برای اسکان طوایف شاهسون بود که با عملی نشدن آن، به‌ناچار برای اسکان عشایر از قوای نظامی استفاده کرد. همان‌طور که مدارس و کلاس‌های فلاحتی هیچ‌گاه تأسیس نشدند.

۱. جمشید اسماعیل‌پور، عشایر آذربایجان و ایلات مغان (تبریز: مؤسسه هنری فاخته، ۱۳۷۷) ص ۲۱۸.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۷/۲۸۸۷۴، صص ۳، ۸، ۱۲.

۳. همان، ص ۶.

۴. همان، ص ۱۲.

۲. واگذاری اراضی به طوایف شاهسون

پیش از به اجرا درآمدن طرح اسکان اجباری، در دشت مغان معدودی روستا در کرانه‌های رود درّه یورت^۱، ارس و بالهارود^۲ وجود داشت. به دلیل کمبود منابع آب، بنای آبادی‌های بیشتر غیرممکن بود. با وجود این، دولت عشایر را به ایجاد آبادی‌های جدید ترغیب می‌کرد. تعدادی از افراد طایفه تالش میکائیلو در اراضی اطراف بیله‌سوار و روستای باباش‌کندی^۳ به کشت دیم مبادرت کردند و روستاهای روح‌کندی^۴، پلات قویوسو^۵ و چندین روستای دیگر را بنا نهادند.^۶

یکی از ایراداتی که همواره به اسکان شاهسون‌ها در دشت مغان گرفته می‌شد، کافی نبودن آب در این دشت برای سکونت دائمی بود که در صورت اسکان شاهسون‌ها باید کانالی از رود ارس برای آبیاری آنجا کشیده می‌شد. بنا به یک گزارش «آنقدر مسئله چندوجهی اسکان ساده انگاشته شده بود که بدون در نظر گرفتن تأمین منابع آبی مغان، قصد واگذاری زمین به ایل شاهسون جهت اسکان را نموده بودند. به طوری که این نقص از سوی نماینده دولت روسیه به مأمورین اسکان ایران یادآوری شد.»^۷ حسن اعظام قدسی، از اعضای کمیسیون تقسیم اراضی مغان، در دیدار با نماینده روس‌ها اظهار می‌دارد که نماینده روس به ضرورت تهیه آب قبل از تقسیم اراضی معتقد است. زیرا در این صورت، طوایف شاهسون حاضر به سکونت و زراعت در دشت مغان می‌شوند.^۸

همچنین در گزارش والی ایالت شرقی آذربایجان به وزارت داخله، در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۱۳ ش، درباره نقایص واگذاری اراضی به افراد شاهسون به این موارد اشاره شده است: عدم وضوح قانون واگذاری اراضی، مشخص نبودن مدت زمان اجرای طرح اسکان اجباری، اختلاف بین افراد و خوانین بر سر مالکیت زمین، واگذاری اراضی نزدیک به مرز، اسکان اجباری در اراضی غیر از دشت مغان و بهانه‌گیری طوایف شاهسون به دلیل نبود آب در دشت مغان.^۹

در گزارش دیگری آمده است که کارشناسان به منظور آماده‌سازی اراضی برای اسکان طوایف شاهسون، از دشت مغان دیدار و طرح کانال‌های آبیاری را تهیه خواهند کرد. در همین زمان کارشناسان فرانسوی احیای قنات و ساختن سدی در محل برخورد رودهای ارس و دره یورت را مؤکداً توصیه کردند. به همین

1. Darre yurt
2. Balharud
3. Babashkandi
4. Ruhkandi
5. Pelat ghuyusu

۶. تاپر، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، ص ۲۳۶.

۷. نقیسه واعظ (شهرستانی)، سیاست عشایری دولت پهلوی اول (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸)، صص ۵۳۳-۵۳۴.

۸. حسن اعظام قدسی (اعظام‌الوزاره)، کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، ج ۲ (بی‌جا، ۱۳۴۲)، صص ۱۴۱-۱۴۲.

۹. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳/۶۳۳، ص ۱۰۰.

منظور اعلام شد «شرکتی با سرمایه ۵ میلیون ریال، با کمک دولت، جهت ایجاد شبکه آبیاری و توسعه مغان تشکیل می‌گردد.»^۱

در همین زمینه در گزارش کفیل وزارت جنگ (۱۶ مهر ۱۳۱۴ ش) به وزارت داخله درباره ضرورت آبیاری دشت مغان آمده است: «چون در اراضی حدود اردبیل و مشگین و قراجه‌داغ که دارای آب و محل مرغوب است، به واسطه داشتن ساکنین ثابت نمی‌توان عشایر را اسکان داد، لذا برای تخته‌قاپوی ثلث دیگر عشایر، اراضی مغان که از هر حیث گنجایش دارد، در نظر گرفته شده که آن هم فاقد آب بوده و مادام که برای آنجا آب تهیه نشود، قابل آبادی و سکونت نخواهد بود.»^۲

با وجود مشکلات یادشده، در سال ۱۳۱۴ ش هیئتی مرکب از نمایندگان وزارت جنگ، وزارت کشور و وزارت دارایی به محل اعزام شدند و پس از مطالعه اوضاع و احوال و جلب موافقت مرکز تعداد ۶۶ قطعه از اراضی خالصه مغان، سبلان و ارشق را با قید شروط هشت‌گانه و گرفتن تعهد از اشخاص، طبق فرمان رضاشاه، طی ورقه‌هایی واگذار کردند.^۳ این شروط عبارت بودند از مالکیت اراضی واگذاری مشروط به ساختمان‌سازی و زراعت؛ صدور برگه قطعی مالکیت پس از تأیید اداره مالیه محل و گزارش آن به وزارت مالیه مشروط بر اجرای ماده یک؛ معافیت از پرداخت مالیات اغنام و احشام مشروط بر عمل کردن به مدلول ماده یک؛ پس گرفتن اراضی و مراتع از افراد غیر شاهسونی که خود را شاهسون معرفی کرده‌اند؛ ممنوعیت خرید و فروش اراضی واگذاری تا ۱۵ سال؛ واگذاری اراضی و مراتع به مالک جدید در صورت ترک محل و لم‌بزرع شدن آنها؛ مالکیت دولت بر معادن اکتشافی در اراضی و مراتع واگذاری؛ حق حفر قنات از اراضی مجاور واگذاری بدون تأدیه وجه و تعرض مالکین.^۴

از این ۶۶ قطعه که مجموعاً بالغ بر ۳۸۶۸ سهم بود، ۳۵۳۷ سهم آن به ۱۵۵۲ نفر از افراد شاهسون طبق ۷۳ برگ واگذار شد و ۳۳۱ سهم آن بدون واگذاری باقی ماند.^۵

در این واگذاری‌ها از فرد تعهدی گرفته می‌شد تا از شروط ورقه واگذاری تخطی نکند. مضمون تعهدنامه بدین شرح بود:

این جانب ... ولد ... که دارای ورقه هویت نمره ... از طایفه ... می‌باشم ملتزم و متعهد می‌شوم^۶ ملکی که به من برای سکونت واگذار شده در آن خانه و بنا ساخته سکونت و زراعت نمایم و هیچ‌گاه خارج و ترک رعیتی نکنم

۱. رعنا حق‌پرست، «بررسی تغییرات ایجادشده در شیوه زندگی عشایر شاهسون در اثر ایجاد واحدهای بزرگ زراعی»، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر (تهران: انتشارات عشایری، ۱۳۷۰)، ص ۴۰۱؛ تاپر، «نمونه ایل شاهسون»، ص ۳۴۶.
۲. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳/۶۳۳، صص ۱۹-۲۱.
۳. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۳۷-۱۳۳۴، واگذاری اراضی قشلاقی مغان و سبلان و ارشق به خوانین ایل شاهسون، شناسه سند ۲۳۰/۱۹۹۷۲، ص ۱۲.
۴. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۱۴، اوراق واگذاری اراضی دولتی در دشت‌مغان، شناسه سند ۲۴۰/۴۳۵۵۳، ص ۲۴.
۵. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۳۰/۱۹۹۷۲، ص ۱۴.
۶. اصل: می‌شویم.

و نیز تا پانزده سال حق ندارم معامله و خرید و فروش نمایم و هر گاه معادنی در اراضی و مراتع واگذاری به این جانب کشف شود، متعلق به دولت خواهد بود و حق هیچ‌گونه تصرفاتی نخواهم داشت. چنانچه برخلاف مراتب مذکور در فوق رفتار نمایم طبق مقررات با من عمل شود.^۱

در سال ۱۳۱۴ش هیئت اعزامی دولت بار دیگر پس از ورود به دشت مغان و توزیع ۱۳۰۰ برگ واگذاری، دامنه عملیات خود را به حوزه ارشق و بیلاقات سبلان گسترش داد. هیئت مزبور در ارشق نزدیک به ۲۸۰ برگ واگذاری را بین اشخاص توزیع کرد. در منطقه سبلان به دلیل اینکه در اداره مالیه اردبیل سوابق و صورت‌های واگذاری موجود نبود، طبق مقتضیات محلی ۵۰۶ قطعه از مراتع آن را واگذار کردند. براساس این مقتضیات، اشخاصی که از زمان فتحعلی شاه به این طرف فرمانی ارائه می‌دادند یا اینکه تا سال ۱۳۱۲ش روی بیلاقات معاملاتی انجام داده بودند، مالک شناخته شدند و ۲۵۲ قطعه از مراتع، به‌عنوان ملک شخصی، بین آنها تقسیم شد. این هیئت ۲۵۴ قطعه دیگر را خالصه دولت تشخیص داد و اوراق آنها نیز بین سایر افراد شاهسون تقسیم شد.^۲

در سال ۱۳۱۴ش، چون در نواحی مجاور مرز آب وجود نداشت، عشایر شاهسون علاقه‌ای به سکونت در آنجا نداشتند. بنابراین محل اسکان آنان بیشتر در دامنه کوه‌های خروسلو، سبلان، اطراف اجارود، مشکین، خیابو، قراجه‌داغ و سراب معین شد. عشایر که در این نقاط صاحب زمین بودند، به زراعت پرداختند. دولت از آنها التزام گرفت در همان املاک برای خود خانه و مسکن بسازند و در صورتی که برخلاف این عمل کنند، دولت آنها را به ایالت‌های دوردست کوچ خواهد داد. والی ایالت شرقی آذربایجان برای تقویت اسکان اجباری طوایف شاهسون به وزارت داخله پیشنهاد داد پست‌های امنیه در راه اهر تا خیابو و اردبیل تا خداآفرین و پست نظمیه در خیابو و گرمی تأسیس کند تا از سرکشی طوایف جلوگیری شود.^۳ تعداد زیادی از عشایر طایفه قوجه‌بیگلو و طوایف تابع آن، پس از اخذ اسناد مالکیت اراضی جدید کشاورزی در این نواحی اسکان یافتند.^۴ در سال ۱۳۱۶ هم اداره دارایی مشکین‌شهر، قشلاق بزچه را که به ۵۵ سهم تقسیم شده بود، به ۱۲ نفر از افراد با همان شرایط هشت‌گانه واگذار کرد.^۵

اما در سال ۱۳۱۹ش اغلب قریب به اتفاق ساکنان روستاهای نوبنیاد شاهسون‌ها، با وجود اینکه زمین‌های آنها حاصل خیز بود و در اراضی پرآب ارشق و خروسلو قرار داشت، بار دیگر به کوچ‌نشینی رو آوردند.^۶

۱. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۴۳۵۵۳/۲۴۰، ص ۲۵.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۳۲، گزارش‌های انجام امور ثبتی مراتع قشلاقی دشت مغان، شناسه سند ۳۹/۳۲، صص ۶۶۳-۶۶۵.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳/۶۳۳، ص ۹۹.

۴. تاپر، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، ص ۳۳۶.

۵. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۹۹۷۲/۲۳۰، ص ۱۶.

6. walter N. Koetz, Persian Diary 1939-41, Ann Arbor (University of Michigan, 1983), p. 171.

۳. شرایط دامداری طوایف شاهسون

در برنامه اسکان اجباری برای دامداری شاهسون‌ها چاره‌ای اندیشیده شده بود: «مطابق نظامنامه اسکان مصوبه دولت هر دویست و پنجاه گوسفند می‌تواند یک چوپان داشته باشد که آنها را به بیلاق و قشلاق ببرد.» شاهسون‌ها از اینکه باید تمامی دام‌های خود را به این چوپانان بسپارند، ناراضی بودند. زیرا چوپانان بدون همراهی زن و بچه در چراندن و دوشیدن شیر و درست کردن کره و... ناتوان بودند. همچنین این چوپان‌ها تقلباتی می‌کردند و گوسفندها را درست مراقبت نمی‌کردند و از کره و شیر و... می‌دزدیدند. درخواست شاهسون‌ها این بود که برای هر صد گوسفند یک چوپان بفرستند و تکلیف کسانی که کمتر از صد گوسفند دارند نیز معلوم شود و برای مواظبت و تفتیش چوپان‌ها و سرپرستی اموال ناظرانی مشخص شوند.^۱ در بررسی درخواست‌های شاهسون‌ها با این پیشنهاد که هر صد گوسفند یک چوپان داشته باشد، موافقت نشد. اما چوپان‌ها می‌توانستند زن و بچه‌هایشان را همراه خود ببرند. همچنین بر طبق نظامنامه اسکان، مالکان می‌توانستند برای مراقبت اغنام خود سرپرستی را همراه چوپان‌ها بفرستند که مواظب کار چوپان‌ها باشد، حساب فروش گوسفند و شیر و کره آنها را نگاه دارد و از اجحاف و تقلب چوپان‌ها جلوگیری کند. به علاوه اگر چوپانی به وظیفه خود عمل نمی‌کرد، مالکان می‌توانستند به مأمورین دولتی مراجعه کنند و مخصوصاً دستور داده شد در این گونه موارد با جدیت و سرعت اقدام شود تا رفاه حال آنها فراهم گردد.^۲ شاهسون‌ها که اقتصادشان بر پایه دامداری بود، سعی می‌کردند به هر نحوی قوانین اسکان اجباری را دور بزنند و با ترفندهای مختلف به کوچ‌نشینی و فعالیت دامداری خود ادامه دهند. این امر در گزارش‌های والی ایالت شرقی آذربایجان نیز منعکس شده است. وی می‌نویسد چادرهای نم‌دی به آلاچیق‌های چوبی و یا چهار دیوار چینه‌ای یا خستی و گلی و مقداری نی و چوب تبدیل شده است. برای اتاق‌ها دری نصب نشده و کسی در آنها مسکون نیست. با گذاشتن یک سرایدار در این خانه‌ها، اکثر افراد شاهسون در صحراها مشغول دامداری هستند. همچنین طرز رفتار مأموران مختلف دولت که با دامداران همکاری و تبانی می‌کنند و به آنها اجازه کوچ‌روی می‌دهند به صورتی بود که عمل اسکان کمک کرده است.^۳ شاهسون‌ها برای حفظ ظواهر اسکان اجباری و جلوگیری از زیان‌های هرچه بیشتر اقتصاد دامداری خود، عده‌ای از خانواده را به نشان اجرای برنامه اسکان اجباری در جایی سکونت می‌دادند و عده‌ای دیگر را برای تعلیف دام‌ها به مراتع می‌فرستادند.^۴

۱. همان، ص ۲۰.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۳۱۰/۷۵۷، ص ۲۰؛ سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳/۶۳۳، ص ۹۹.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۳۱۰/۷۵۷، صص ۱۴-۱۳.

۴. اعظم عوض‌پور، دشت مغان در گذر زمان (تهران: انتشارات انوار، ۱۳۷۸) ص ۱۶۰.

یکی دیگر از راهکارهای دولت برای تشویق شاهسون‌ها به اسکان و جلوگیری از مهاجرت آنان به کشورهای بیگانه، معافیت از پرداخت حق‌التعلیف بود. اما از اواخر سال ۱۳۱۵ش وزارت مالیه با هماهنگی کلانتر مرزی محل و ریاست اداره عشایری و حتی فرماندهی ارتش محل تصمیم گرفت از قشلاقاتی که خالصه دولت است حق‌التعلیف دریافت کند که با هماهنگی وزارت جنگ، به شرط اینکه «با حسن رفتار عمل شده و لشکر هم از جریان انتظامی مطلع باشد»، با این پیشنهاد موافقت شد. اما مسئول اداره مالیه اردبیل از این امر تخطی کرد و از مراتع و بیلاقات سبلان که ملک آبا و اجدادی عده‌ای از طوایف شاهسون بود و نه خالصه دولت، مال‌الاجاره دریافت کرد.^۱

پس از طرح شکایت شاهسون‌ها به والی ایالت شرقی آذربایجان و ارائه شکایت آنها به دولت، رئیس‌الوزرا در مورد مراتع سبلان به وزارت مالیه دستور داد که در صورت داشتن اسناد مالکیت مزاحم آنها نشود و اگر این مراتع جزء املاک خالصه دولت است، به صورت رایگان بین شاهسون‌ها تقسیم شود. موضوع دآمداری آنها نیز تقویت گردد و هر نوع تسهیلات لازم در این زمینه در نظر گرفته شود.^۲ اما اداره مالیه اردبیل که مسئولیت بخشی از برنامه اسکان شاهسون‌ها را بر عهده داشت، مدعی بود که چون مراتع سبلان در حدود نه ماه از سال پوشیده از برف است، قابلیت ساختمان‌سازی ندارد و با تقسیم مراتع سبلان تنها اغنام و احشام شاهسون‌ها چند ماه از سال را مطابق اصول گله‌داری به رایگان تعلیف خواهند شد.^۳ برنامه اسکان طوایف شاهسون در مراتع بیلاقی سبلان، به دلیل شرایط طبیعی و مقتضیات فصول، همچنان با مشکلاتی مواجه بود. بنابراین، مطلب را توسط دفتر مخصوص شاهنشاهی به عرض شاه رسانند و مقرر شد که

چادرنشینی در تمام کشور باید موقوف و طوایف در محل مناسبی اسکان شوند و تا موقعی هم که اصول فنی گله‌داری در کشور ایران اتخاذ نشده اغنام و احشام به اقتضای فصل در مراتع بیلاقی در تابستان و نقاط گرمسیری در زمستان تعلیف نمایند. با رعایت کامل این دو اصل هرگاه واگذاری مراتع سبلان را جهت تخته‌قاچو شدن دائمی اهالی مناسب ندانسته و یا اشکالاتی متصور است با تبادل نظر و مذاکره با قسمت‌های مربوطه محل مناسب‌تری برای طوایف معین گردد.^۴

۴. وضعیت متفاوت اسکان طوایف شاهسون در نواحی مختلف

طبق گزارش سفر والی ایالت شرقی آذربایجان در ۱۷ خرداد ۱۳۱۶ش، وضعیت اسکان طوایف شاهسون

۱. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۳۱۰/۷۵۷، صص ۱۹، ۲۸.

۲. همان، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۵۹.

در اردبیل، آستارا، مشکین، مغان و ارسباران هر یک به طرز خاصی بود و شباهتی به یکدیگر نداشت. در اردبیل و آستارا ایلات بیشتر متمایل به اسکان بودند و فاصله بین مراتع بیلاقی و قشلاقی آنها خیلی کم و در پاره‌ای موارد به کلی غیر محسوس بود. از سال‌ها قبل اقداماتی برای اسکان آنها انجام شده بود و طوایف یورتچی و فولادلو به طور ناقص کوچ‌نشینی را رها کرده بودند. همچنین، در این منطقه مأموران اسکان بهتر و بیشتر از سایر نقاط در طرح اسکان موفق بودند. چنانکه بیش از نود درصد طوایف شاهسون در اردبیل و آستارا اسکان داده شده بودند و اسکان بقیه افراد ایل شاهسون به سهولت امکان‌پذیر بود. در ارسباران هم ایلات وضعیت مناسبی برای اسکان داشتند، زیرا فاصله بین مراتع بیلاقی و قشلاقی آنها از هشت فرسخ تجاوز نمی‌کرد و غالب آنها حتی احتیاج زیادی به کوچ کردن هم نداشتند و کوچ آنها برحسب عادت بود. تا آن زمان حدود هشتاد درصد از این ایلات اسکان داده شده بودند و بستر مناسبی برای اسکان سایر کوچ‌نشینان فراهم شده بود.

اما در مشکین وضعیت متفاوتی حاکم بود. فاصله بین بیلاق و قشلاق آنها زیاد بود. طوایف شاهسون به کوچ‌نشینی خود ادامه می‌دادند و مسیر صحرای مغان تا مراتع سبلان را می‌پیمودند. درباره جمعیت اسکان داده‌شده شاهسون‌ها گزارش‌ها متفاوت است و برخی سه ربع، برخی دو ثلث و برخی نصف آنها را یکجانشین ذکر کرده‌اند.^۱

نتیجه‌گیری

برنامه اسکان اجباری شاهسون‌های دشت مغان که پس از بسته شدن مرزهای ایران و روس آغاز شده بود، در دوره پهلوی اول با شدت بیشتری دنبال شد. شاهسون‌ها به دلیل خستگی از آشوب‌های اواخر دوره قاجاریه (دوره خان‌خانی) و در اختیار داشتن زمین‌های حاصل‌خیز در قشلاقات دشت مغان، مراتع میان‌بند اراش و دامنه‌های بیلاقی سبلان برنامه اسکان اجباری را راحت‌تر از سایر ایلات ایران پذیرفتند. توزیع اوراق واگذاری زمین و وضع قوانین مربوط به آن به تدریج شاهسون‌ها را متمایل به یکجانشینی کرد. در این میان برخی از برنامه‌های تشویقی دولت مانند حذف حق علف‌چر، تأسیس مدارس فلاحی برای آموزش کشاورزان، انتقال قطعی زمین‌هایی که مالکان آن ورقه مالکیت داشتند، ظرفیت آبیاری دشت مغان از طریق احداث کانال‌های آبیاری از رودخانه ارس و در اختیار گذاشتن زمین‌های دولتی برای ساختمان‌سازی بستر مناسبی برای اسکان شاهسون‌ها فراهم آورد. همچنین ایجاد پست‌های امنیه به منظور جلوگیری از تمرد عشایر، استقرار مأمورین اسکان در نواحی اسکان داده‌شده، سوزاندن ابزار کوچ‌نشینی، وضع قوانین محدودیت دامداری و اخذ مالیات اضافی از برنامه‌های تنبیهی‌ای بود که با زور و فشار مأمورین زمینه اسکان طوایف

شاهسون را فراهم آورد. در صورت تخطی شاهسون‌ها از قوانین وضع شده، دولت به برنامه‌های تنبیهی و قوای نظامی متوسل می‌شد.

اما تلاش شاهسون‌ها در دور زدن نظامنامه دامداری و قوانین یکجانشینی گواه این است که برنامه اسکان اجباری رضاشاه در تمامی نقاطی که شاهسون‌ها حضور داشتند، به دلیل مشخصات آب و هوایی دشت مغان (کمبود آب) و دامنه‌های سیلان (زمستان‌های بسیار سرد و غیرقابل سکونت)، قابلیت اجرایی نداشته است. علاوه بر این، آماده نبودن زیرساخت‌های لازم برای اسکان عشایر و اجرایی نشدن برخی از برنامه‌های اسکان مانند حفر کانال‌های آبیاری دشت مغان و تأسیس مدارس فلاحی دلایل دیگری بر عدم موفقیت کامل طرح اسکان اجباری بوده است.

کتابنامه

- اسماعیل پور، جمشید، *عشایر آذربایجان و ایلات مغان*، تبریز: مؤسسه هنری فاخته، ۱۳۷۷.
- اعظام‌قدسی (اعظام‌الوزاره)، حسن، *کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله*، جلد دوم، بی‌جا، ۱۳۴۲.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، «زوال کوچ‌نشینی در ایران، یکجانشینی ایلات و عشایر»، *مطالعات ملی*، سال ۵، ش ۱، ۱۳۸۳، صص ۱۵۵-۱۸۴.
- بشیری، حسین، *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- پوربختیار، غفار، «رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری (پژوهشی مبتنی بر اسناد)»، *مسکویه*، دوره ۲، ش ۸، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۵۶.
- تاپر، ریچارد، *تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان*، ترجمه حسن اسدی، تهران: اختران، ۱۳۸۴.
- تاپر، ریچارد، «نمونه ایل شاهسون»، *مجموعه مقالات رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، گردآوری استفانی کرونین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، ۱۳۸۳.
- حق‌پرست، رعنا، «بررسی تغییرات ایجادشده در شیوه زندگی عشایر شاهسون در اثر ایجاد واحدهای بزرگ زراعی»، *مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر*، تهران: انتشارات عشایری، ۱۳۷۰.
- روزنامه حبل‌المتین*، س ۳۸، ش ۱۸ و ۱۹، ۱۳۰۸/۰۲/۳۱، ص ۲۴.
- ضرغام بروجنی، جمشید، *دولت‌های عصر مشروطیت*، تهران: مجلس شورای ملی (بی تا [تاریخ مقدمه ۱۳۵۰]).
- عزیززاده، میرنسی، *تاریخ دشت مغان*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶.
- عوض‌پور، اعظم، *دشت مغان در گذر زمان*، تهران: انتشارات انوار، ۱۳۷۸.
- غفاری، هیبت‌الله، *ساختارهای اجتماعی عشایر بویر احمد*، تهران: نی، ۱۳۶۸.
- قاسمی، احد، *مغان نگین آذربایجان*، جلد دوم، تهران: مؤلف، ۱۳۷۷.
- قلمی، عزیزالله، *مغان در گستره تاریخ*، تهران: فرشاد، ۱۳۷۶.
- مرادی خلج، محمد مهدی، کشاورز محمد و شهرام یوسفی‌فر، «بررسی تأثیرات عوامل سیاسی در تغییرات سرزمینی

ایل شاهسون در دوره قاجاریه»، *تاریخ‌های محلی ایران*، دوره ۶، ش ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶).
مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
نادرپور، بابک، «دولت‌های معاصر، جامعه ایلی و معمای کوچ یا اسکان»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، س ۷، ش ۲ و ۳، شماره پیاپی ۳۹ و ۴۰، ۱۳۸۲.

نقیب‌زاده، احمد، دولت رضاشاه و نظام ایلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
واعظ (شهرستانی)، نفیسه، سیاست عشایری دولت پهلوی اول، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸.
_____، «تاریخچه اسکان»، فصلنامه کوچ، تهران: انتشارات اتحادیه مرکزی تعاونی‌های عشایری ایران، ۸۲-۹۴، بهار ۱۳۶۲.

Koetz, walter N., *Persian Diary 1939-41*, Ann Arbor, University of Michigan, 1983.

<http://rc.majlis.ir/fa/law, 97/04/30>.

اسناد

اسکان ایلات [شاهسون]، ۳۱۰/۷۵۷، سازمان اسناد ملی ایران.
اعزام عشایر شاهسون از مغان به آستارا و قراجه‌داغ و آبادانی مغان، ۲۹۳/۶۳۳، سازمان اسناد ملی ایران.
اوراق واگذاری اراضی دولتی در دشت مغان، ۲۴۰/۴۳۵۵۳، سازمان اسناد ملی ایران.
طرح مطالعات دآمداری شرکت هاوائین اگرونومیک، ۲۲۰/۱۲۸۹۹، سازمان اسناد ملی ایران.
گزارش بازرسی از ایالت شرقی آذربایجان، ۲۹۷/۲۸۸۷۴، سازمان اسناد ملی ایران.
گزارش‌های انجام امور ثبتی مراتع قشلاقی دشت مغان، رسیدگی به موارد اختلاف طوایف شاهسون در مورد خالصجات مغان، صورت قشلاقات، مراتع، رقبات خالصه مغان و اردبیل، شکایت زارعین، ۳۲۰/۳۹، سازمان اسناد ملی ایران.
لایحه پیشنهادی واگذاری اراضی دولتی آذربایجان جهت اسکان طوایف شاهسون، ۲۴۰/۱۷۹۰۶، سازمان اسناد ملی ایران.
واگذاری اراضی قشلاقی مغان و سیلان و ارشق به خوانین ایل شاهسون، ۲۳۰/۱۹۹۷۲، سازمان اسناد ملی ایران.
_____، «قانون اجازه واگذاری مراتع و اراضی دولتی واقعه در آذربایجان به خوانین و افراد شاهسون»، مصوبات مجلس شورای ملی، چاپ دوم، جلد اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دوره ۸، ش ۱۲۱۱، ص ۷۰۶، ۱۳۱۱.

پیوست: اسناد مربوط به واگذاری اراضی دولتی به طوایف شاهشون.

طایفه قرومیه
۶

تاریخ ۱۳۱۴/۸/۸
نمره ۱

ورقه واگذاری اراضی دولتی واقع در صحرای مغان

نظر باینکه خرمید ولد کرم که دارای ورقه هويت نمره ۶ از طایفه قرومیه میباشد مطابق سندیکه سپرده است تمهید گردیده در قشلاق کرم که محدود بحدود ذیل است سکنا و زراعت نماید شمال کرم جنوبی کرم شرقی کرم غربی کرم و در امتداد کرم باشد

لذا مقدار کرم بجز افتان اراضی فوق طبق قانون مصوّب دیماه ۱۳۱۱ و امر جهانمطاع مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنا فداه هیئت کمیسیون تقسیم اراضی صحرای مغان مقدار اراضی فوق الذکر را به کرم و کرم و کرم بملکیت کرم مطابق مواد ذیل بملکیت واگذار مینماید.

اقل - اراضی و مراتعی که بملکیت بشما واگذار میشود مالک شناخته نمیشود مگر وقتیکه تخت قاپور شده ساختمان بناء و خانه و زراعت بعداً احتیاج خود نموده باشید و الا آن اراضی و مراتع بمخالصگی دولت شناخته میشود

دویم - چنانچه بتدریج بر طبق تمام مراتب مندرجه در ماده (۱) این ورقه عمل نمایند پس از تصدیق اداره مالیه ایالت شرقی آذربایجان و اوپرت انجام مدلول این ماده را بوزارت جلیله مالیه اراضی و مراتعی که بشما واگذار شده بملکیت شناخته فرمان مطاع مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنا فداه بملکیت قطعی شما شرف صدور خواهد یافت

سیم - مادام که بمدلول ماده (۱) این ورقه عمل نکرده باشید اغنام و احشام شما با در نظر گرفتن مقدار اراضی و مراتع واگذاری میزان معینی بنام حق الارض اراضی دولتی و حق التعلیف گرفته میشود چه چهارم - چنانچه پس از واگذاری اراضی و مراتع معلوم شود که جزو ایل و طایفه شاهشون نبوده بطور خدعه خود را معرفی نموده اید پس از ثبوت قضیه املاک واگذاری از شما منتزع خواهد شد.

پنجم - اراضی و مراتع واگذاری را تا پانزده سال حق ندارید معامله و خرید و فروش نمائید.

ششم - در صورتیکه از محل مسکونی خود خارج و ترک رعیتی نموده و اراضی واگذاری اهل بزرع بماند پس از اخطار برای معاودت چنانچه حاضر نشوید نه فقط ملک متصرفی منتزع و بدیگری واگذار میشود بلکه هیچگاه حق دعوی نسبت بمالک جدید نخواهید داشت.

هفتم - هر گاه مادانی در اراضی و مراتع واگذاری کشف شود متعاقب دولت و بر طبق نظامات مربوطه عمل خواهد شد.


هشتم - حق حفر قنات از اراضی مجاور واگذاری بدون تأدیه وجه و ترمض مالکین مجاور دارند علیهذا امضاء کنندگان ذیل این نوشته را بنام مالکیت موقت بشما میدهد که تا کاملاً مندرجات فوق الذکر را عمل ورقتار نمایند.

هیئت کمیسیون عالی تقسیم اراضی صحرای مغان

<p>نماینده وزارت جنگ </p>	<p>نماینده وزارت مالیه </p>	<p>نماینده وزارت جهاد </p>
-------------------------------	---------------------------------	--------------------------------

سند شماره ۱. نمونه ورقه واگذاری اراضی دولتی واقع در دشت مغان، سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۴۳۵۵۳/۲۴۰، ص ۲۴.

تاریخ ۱۳۱۳/۱/۱	تعهد نامه	طایفه قره‌میکر
نمره ۲		
این جانب <u>محمد میرزا</u> ولد <u>محمد میرزا</u> که دارای ورقه هویت		
نمره و از طایفه <u>قره‌میکر</u> میباشم ملتزم و متعهد میشویم ملکی		
که بمن برای سکونت واگذار شده در آن خانه و بنا ساخته سکونت و زراعت نمایم و		
هیچ‌گاه خارج و ترک رعیتی نکنم و نیز تا بازده سال حق ندارم معامله و خرید فروش		
نمایم و هرگاه معادنی در اراضی و مراتع واگذاری باین جانب کشف شود متعلق بدولت		
خواهد بود و حق هیچگونه تصرفاتی نخواهم داشت چنانچه بر خلاف مراتب مذکور		
در فوق رفتار نمایم طبق مقررات بامن عمل شود .		



فهرست اسامی افراد طوایف مازنی که از طرف هیئت کسری تعلیم و تربیت مازنی در امور اداری و هیئت برابری کوشش

ردیف	اسم طوایف	فهرست افراد هر طایفه در ادارات و هیئت		
		در هیئت	در ادارات	در کسری
۱	تسلیج کبک	-	-	۱۱۷
۲	علی بابا	۱۵	-	۱۹۹
۳	میر تقی کبک	-	-	۷۳
۴	درویشی کبک	-	-	۱۰۸
۵	میر اویان	۱۰۶	-	-
۶	ساری ضانی کبک	-	-	۱۳۵
۷	باج کبک	-	-	۷۸
۸	کبک	-	-	۵۵
۹	چوئی ضانی	-	-	۵۸
۱۰	شاه علی کبک	-	-	۸۱
۱۱	کبک	-	-	۳۹
۱۲	آخوندی زیددر	-	-	۳۳
۱۳	عیسی	۹۹	-	-
۱۴	طاهر کبک کبک	-	-	-
۱۵	مردم کبک	-	-	۳۶
۱۶	کبک باغلو	-	-	۱۳
۱۷	فرلدر	-	-	۱۹
۱۸	ضامن	-	-	۱۳
۱۹	قره کبک	-	-	۳۴
۲۰	سید کبک	-	-	۳۵
۲۱	کوبلی کبک	-	-	۲۳
۲۲	سید	-	-	۱۶
۲۳	پیر کبک	-	-	۳۱
۲۴	ادد کبک	۲۳	-	۸
۲۵	ایوانو	-	-	-
۲۶	کبک	-	-	۱۶
۲۷	میان کبک	-	-	۱۹
۲۸	طاهر کبک کبک	۳۴	-	۱۵
	جمع	۲۷۷	-	۱۳۷۱

وزارت دروغ بیخه بانو وگندار شده بقرار زمین

نوع زمین	مزارع افراد هر طبقه در اراضی مغان			مدرک طوایف	نوع زمین
	در مغان	در لرستان	در مغان		
	-	۵	-	مزارع لرستان در مغان	۲۹
	-	-	۱۴	ایشانلو	۳۰
	۱۴	-	۱۵	گیتور صبیحی خواجه لو	۳۱
	۳	-	۱	زرگو	۳۲
	۴	-	-	حسن صابری	۳۳
	۵	-	-	گنگور	۳۴
	۵	-	-	...	۳۵
	۲	-	-	نیزه در مغان	۳۶
	۱	-	-	گلدش	۳۷
	۹	-	-	پیرلو	۳۸
	۵	-	-	عرب لو	۳۹
	۴	-	-	خونق لو	۴۰
	۲	-	-	قره تپه	۴۱
	۴	-	-	چلو در لو	۴۲
	۲	-	-	چرخاچه لو	۴۳
	۲	-	-	رضیک لو	۴۴
	۱	-	-	شاه لو	۴۵
	۴۳	-	-	مغان لو	۴۶
۹۹ ۷۹۴۳					
			۳۷	جمع	
			۱۳۷۱	تعداد زمین مغان	
			۲۵۶	جمع کل	
			۲۷۷	تعداد زمین لرستان	
			۱۷۱	تعداد زمین مغان	

توجه: در این سند در مغان ۱۳۷۱ زمین و در لرستان ۲۷۷ زمین و در مغان ۲۵۶ نفر در مغان نام دارند و در لرستان ۱۷۱ نفر در مغان نام دارند.

سند شماره ۳. نام طوایف شاهسون و خلاصه صورت افراد دریافت کننده اراضی دولتی در مغان، ارشق و سبلان، سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳/۶۳۳، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

